

## بررسی شبهه تعارض آیات قرآنی درباره

### خلقت زمین و آسمانها

قاسم محبی<sup>۱</sup>

عزالدین رضا نژاد<sup>۲</sup>

#### چکیده

در مورد آیاتی که بیانگر خلقت زمین و آسمانها است، چند شبهه به عنوان تعارض و تناقض مطرح شده است. تعارض در آیات مرتبط با روزهای خلقت آسمانها و زمین، آبی یا تدریجی بودن خلقت آسمانها و زمین، تقدم و تأخر خلقت زمین و آسمانها نسبت به یکدیگر و جدا یا بهم پیوسته بودن آسمانها و زمین، از جمله این شبهات است. برخورد گزینشی با آیات قرآن، عدم مراجعه به آیات مرتبط، تفسیرهای غلط و غیرروشن مندرج، عدم توجه به قواعد عمومی سخن گفتن، بی توجهی به ساختارهای جمله در زبان عربی و معنای صحیح کلمات قرآن، و همچنین عدم مراجعه به روایات تفسیری منشأ طرح چنین شبهاتی بوده است. نوشتار حاضر، با رعایت قواعد و اصول مزبور در تفسیر آیات، شبهات یاد شده را بررسی، و اشکالات روشی و مبنایی آن را آشکار کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** تعارض در قرآن، رتق و فتق زمین و آسمانها، سرعت در خلقت، تدریج در خلقت.

۱. دانش آموخته سطح ۳، مؤسسه آموزش عالی امام صادق (ع) (مقاله مستخرج از پایان نامه سطح ۳).

۲. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه.

## مقدمه

قرآن کریم که کتاب هدایت و نعمت بزرگ خداوند بر بشریت است، به میزان تأثیرگذاری اش در جامعه و نفوذش در دل انسان‌ها، موجبات خشم دین‌گریزان و اسلام‌ستیزان شده؛ برای همین در طول تاریخ این‌گونه افراد با طرح شبهاتی مثل تعارض در آیات قرآن، سعی در سنگ‌اندازی در مسیر تأثیرگذاری قرآن داشته‌اند، تا بتوانند مردم را از قرآن دور کنند، در حالی که یکی از وجوه اعجاز قرآن، هماهنگی و عدم وجود اختلاف در بین آیات آن است:

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾

(نساء: ۸۲)؛ (آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند).

مطابق مضمون آیه، نتیجه تدبّر در آیات قرآن این است که شخص درمی‌یابد هیچ‌گونه اختلافی اعم از تناقض و تکاذب در بین آیات قرآن وجود ندارد، و اگر جایی شخصی توهم تناقض در بین آیات قرآن کرده باشد، نتیجه عدم تدبّر در قرآن (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۵۴۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۳: ۹۰) و جهالت و سطحی‌نگری اوست (طبری، ۱۴۱۲، ۵: ۱۱۴). حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «بر حذر باش از اینکه قرآن را طبق رأی و نظر خود تفسیر کنی، ... در ظاهر شبیه کلام بشر است ولی فرق می‌کند ... و تأویل آن شبیه کلام بشر نیست» (صدوق، ۱۳۹۸، ۲۶۴)، «پس کلام خدا را مثل کلام بشر قرار نده» (همان، ۲۶۷)؛ زیرا در قرآن عام و خاص، محکم و متشابه، و ناسخ و منسوخ وجود دارد (صفار، ۱۴۰۴، ۲۰۳)، و جهل و توجه نکردن به این امور موجب شده برخی از افراد چنین شبهاتی را مطرح کنند (مقریزی، ۱۴۲۰، ۴: ۲۳۲-۲۳۳).

البته شبهه تعارض و ناسازگای در گذشته هم مطرح بوده و در حدیث مفصلی حضرت علی علیه السلام به قسمتی از این شبهات پاسخ داده‌اند (صدوق، ۱۳۹۸، ۲۵۵-۲۶۹)، و اسحاق بن یعقوب کندی که رساله‌ای در مورد تناقضات قرآن نوشته بود، پس از راهنمایی امام حسن عسکری علیه السلام از طریق شاگردانش، به اشتباه خود پی برد و نوشته خود را در آتش انداخت و از بین برد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۴: ۴۲۴)، و نیز در کتب روایی اهل سنت پاسخ‌های ابن عباس به برخی از شبهات تعارض در آیات قرآن نقل

شده است (بخاری، ۱۴۲۲، ۶: ۱۲۷).

در روزگار معاصر نیز برخی به این گونه شبیهات دامن زده‌اند، از جمله برخی از مستشرقان مثل گلدزیهر، مؤلف کتاب «نقد قرآن» و سایت‌های متعدد فارسی‌زبان و خارجی. در راستای پاسخ به اینگونه شبهه‌پراکنی‌ها، نوشتار حاضر، به پاسخ شبیهاتی که مدعی تعارض در آیات مربوط به خلقت زمین و آسمان‌ها است، اختصاص دارد.

## ۱. خلقت شش روز بود یا هشت روز؟

### ۱.۱. تبیین شبهه

در آیه‌ای از قرآن، مدت زمان خلقت زمین و آسمان‌ها و آنچه بین آنها است، شش روز اعلام شده است: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾ (سجده: ۴)؛ اما در آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت زمان‌هایی را در مورد خلقت زمین و آسمان‌ها بیان کرده که جمع آن‌ها هشت روز می‌شود: ﴿قُلْ أَأَنْتُمْ مَن كَتَبْتُمْ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ إِندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَامَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلنَّاسِ لِيُنذِرَ لِمَن كَفَرَ بِاللَّهِ لَئِنَّمَا أَنزَلْنَا طَائِفِينَ \* فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (فصلت: آیه ۹-۱۲)؛ بگو: آیا این شماست که واقعاً به آن کسی که زمین را در دو روز آفرید، کفر می‌ورزید و برای او همتایانی قرار می‌دهید؟ این است پروردگار جهانیان \* و در [زمین]، از فراز آن کوه‌ها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد، و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه‌گیری کرد [که] برای خواهندگان، درست [و متناسب با نیازهایشان] است \* سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد، و آن بخاری بود. پس به آن و به زمین فرمود: خواه یا ناخواه بیاپید. آن دو گفتند: فرمان‌پذیر آمدیم \* پس آن‌ها را [به صورت] هفت آسمان، در دو روز مقرر داشت و در هر آسمانی کار [مربوط به] آن را وحی فرمود، و آسمان [این] دنیا را به چراغ‌ها آذین کردیم و [آن را نیک] نگاه داشتیم این است اندازه‌گیری آن نیرومند دانا (ر.ک: سها، بی تا، ۹۷-۹۹).

در پاسخ شبهه، چند نکته را یادآور می‌شویم:

یکم. این شبهه، بر اساس حصر معنای واژه «یوم» در یکی از کاربردهای آن، و غفلت یا تغافل از سایر کاربردها است. چنین نیست که هر جا کلمه «یوم» استعمال شد مراد از آن مقدار زمانی باشد که زمین یک بار به دور خود می‌چرخد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۰: ۱۵۰)، بلکه کاربرد کلمه «یوم» در معانی دیگر متداول است، مثلاً گاهی کلمه «یوم» استعمال می‌شود و منظور از آن قطعه‌ای از زمان - صرف نظر از مدت آن - است، مثل آیه شریفه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا﴾ (آل عمران: ۱۵۵) (زمانی که دو گروه [در احد] با هم رویاروی شدند، کسانی که از میان شما [به دشمن] پشت کردند، در حقیقت جز این نبود که به سبب پاره‌ای از آنچه [از گناه] حاصل کرده بودند، شیطان آنان را بلغزاند) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۸۹۴)، هم‌چنان که مشخص است در این آیه و سایر آیاتی که از جنگ‌ها با تعبیر «یوم» یاد می‌کند، مراد از کلمه «یوم» مقدار زمانی است که این جنگ طول کشیده نه یک روز در مقابل شب و یا یک شبانه روز.

دوم. در مورد خلقت زمین و آسمان‌ها و موجودات بین زمین و آسمان‌ها، اصلاً امکان ندارد مراد از کلمه «یوم»، روز در مقابل شب، یا یک شبانه روز باشد؛ زیرا زمان، مقدار حرکت را می‌گویند، و قبل از خلقت زمین و آسمان و به تعبیر کلی‌تر ماده، حرکتی نبوده تا با تعیین مقدار آن، زمان معنا پیدا کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۴۰).

سوم. در فهم یک آیه، باید آیات دیگر را نیز مورد توجه قرار داد؛ چراکه برخی از آیات قرآن، شاهد بر برخی دیگر و بیان‌گر مفاد و مدلول آن است، هم‌چنان که امام علی علیه السلام در مورد قرآن می‌فرماید: «يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳).

براین اساس، چنین می‌گوییم: در سه آیه قرآن، در مورد خلقت «زمین و آسمان‌ها و موجودات بین آن‌ها» از تعبیر شش روز (سِتَّةَ أَيَّامٍ) استفاده شده است: ﴿الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ﴾ (فرقان: ۵۹)؛ ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ﴾ (سجده: ۴) و ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ

ما مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ﴿ق: ۳۸﴾

طبق آیات فوق آنچه در این شش روز خلق شده شامل سه چیز می‌شود: آسمان‌ها، زمین و موجودات بین آسمان‌ها و زمین.

حال با نگاهی به آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت درمی‌یابیم که نه تنها این آیات با آیات ذکرشده تعارضی ندارند بلکه مؤید آن‌ها نیز هستند. به این بیان که:

۱- آیه ۹ سوره فصلت، خلقت زمین را در دو روز دانسته است: ﴿قُلْ أَنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (بگو آیا این شماید که واقعاً به آن کسی که زمین را در دو هنگام آفرید، کفر می‌ورزید و برای او همتیانی قرار می‌دهید؟ این است پروردگار جهانیان).

۲- بنا بر آیه ۱۲ همین سوره، هفت آسمان هم در دو روز خلق شده است: ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (پس آن‌ها را [به صورت] هفت آسمان، در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی کار [مربوط به] آن را وحی فرمود، و آسمان [این] دنیا را به چراغ‌ها آذین کردیم و [آن را نیک] نگاه داشتیم این است اندازه‌گیری آن نیرومند دانا).

۳- در آیه ۱۰ این سوره سخن از «چهار روز» به میان آمده: ﴿وَقَدَرْنَا فِيهَا أَقْوَانَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ﴾. شبهه‌کننده گمان کرده چهار روزی که در این آیه ذکر شده در مورد خلقت زمین و آسمان‌ها است، برای همین از جمع این چهار روز در دو روز خلقت زمین و دو روز خلقت آسمان‌ها، این نتیجه را گرفته است که جمع این ایام هشت روز می‌شود، درحالی‌که این آیه در مورد رزق و روزی موجودات روی زمین است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۱۷۷)، و ربطی به خلقت ندارد و منظور از چهار روز مطرح شده در این آیه، چهار فصل سال است (قمی، ۱۴۰۴، ۲: ۲۶۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۴: ۳۵۳؛ حویزی، ۱۴۱۵، ۴: ۵۳۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ۴: ۷۸۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۷: ۳۶۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، ۱: ۱۲۶).

با توجه به این که آیه ۱۰ سوره فصلت مربوط به بحث تقدیر ارزاق جانداران روی زمین است، مجموع آنچه در آیات ۹ و ۱۲ این سوره برای خلقت زمین و آسمان‌ها بیان

شده چهار روز است. اکنون با توجه به آیات سه گانه نخست، این نتیجه به دست می آید: آفرینش آسمان‌ها در دو روز انجام شد: ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ﴾، خلقت زمین در دو روز واقع شد: ﴿خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ﴾، و آفرینش آنچه در بین آسمان‌ها و زمین قرار دارد در دو روز واقع شد؛ که این پیام را از جمع‌بندی نهایی و کسر چهار روزی که بیان شد از مجموع شش روز ذکر شده در آیاتی مثل: ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾ می‌توان استظهار کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۱۷۷).

## ۲. سرعت در خلقت

### ۲.۱. تبیین شبهه

شبهه دیگری که مرتبط با شبهه قبلی است و با عنوان «یا آفرینش سریع بود یا کند؟» مطرح شده، چنین است: تفسیر «سِتَّةِ أَيَّامٍ» به شش دوره در آیاتی مثل: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾ (اعراف: ۵۴)، برای گریز از اشکال است و می‌خواهند به قرآن چهره علمی بدهند، درحالی که معنای کلمه «یوم» روز است و نه دوره، ولی باین حال چه مراد از کلمه «یوم» روز باشد و چه دوره، در آیه دیگری از قرآن می‌گوید که زمین و آسمان‌ها را به صورت آنی خلق کرده، نه اینکه شش روز یا شش دوره طول کشیده باشد: ﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (بقره: ۱۱۷) (او) پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است، و چون به کاری اراده فرماید، فقط می‌گوید: «موجود» باش پس [فوراً موجود] می‌شود.<sup>۲</sup>

### ۲.۲. پاسخ

آنچه در این شبهه در مورد کاربرد کلمه «یوم» گفته شد نشان جهل مستشکل به زبانی است که قرآن به آن زبان نازل شده است. استفاده کلمه «یوم» و حتی ترجمه این

<sup>۱</sup> <https://zandiq.com/2005/09/02/shast-tanaghz-dar-ghoran>

<sup>۲</sup> Quick or Slow Creation?

Allah creates the heavens and the earth in six days [7:54] and many Muslims want to be modern and scientific, and make that six eons, but then again, He creates instantaneously [2:117], "Be! And it is" (<http://www.answering-islam.org/Quran/Contra/#internal>).

کلمه در برخی زبان‌های دیگر، از جمله فارسی، ترکی و انگلیسی در معانی دیگری غیر از روز در مقابل شب، برای مردم جزء بدیهیات به شمار می‌آید، مثلاً در آیه: ﴿تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾ (آل عمران: ۱۴۰) (ما این روزها ای شکست و پیروزی را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند])، و در عبارت: «وَأَعْلَمُ بِأَنَّ الدَّهْرَ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ» (نهج البلاغه، نامه ۷۲) (بدان که روزگار دو روز است، روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو) واضح است که مراد از کلمه «یوم» روزگار، عصر و برهه‌ای از زمان است، نه روز در مقابل شب (ر.ک: ابن عاشور، بی‌تا، ۲۷: ۲۳۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۴۰).

اما در قسمت دوم اشکال، مستشکل با اشاره به آیه ۱۱۷ بقره، می‌گوید خدایی که اگر اراده تکوّن چیزی را بکند با گفتن «کن: باش» آن را خلق می‌کند، چرا زمین و آسمان‌ها را در شش روز آفرید؟

پاسخ این سؤال این است که جمله «کن فیکون» استعمال مجازی (زمخشری، ۱۴۰۷، ۴: ۳۱؛ لاهیجی، ۱۳۷۳، ۱: ۱۰۶)، و کنایه‌ای است (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ۱: ۴۰۹)، یعنی یک نوع تمثیل از قدرت خداوند متعال است (بروسوی، بی‌تا، ۷: ۴۴۱)، که سرعت حصول آنچه اراده خداوند بر آن تعلق گرفته را می‌رساند، بدون اینکه متوقف بر چیزی باشد (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۲: ۵۵).

به بیان دیگر، معنای آیه این است که انجام دادن هر عملی از نظر سهولت و آسانی و عدم وجود مانع برای خداوند مانند این است که به آن گفته شود: باش و آن هم بشود (طوسی، بی‌تا، ۱: ۴۳۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱: ۳۶۸)، و مطمئناً آنجا نه کلامی بوده و نه صوتی که شنیده بشود (موسوی سبزواری، همان)، و نه مخاطبی که صوتی را بشنود (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۷: ۱۱۵).

نکته‌ای که تمثیلی بودن جمله «کن فیکون» را متعین می‌کند، این است که در فرض حقیقی بودن خطاب، چیزی که قرار است مورد خطاب قرار گیرد یا وجود دارد، که توجه خطاب به آن برای موجود شدن، مستلزم تحصیل حاصل، و محال است؛ و یا وجود ندارد که خطاب به معدوم نامعقول است (بروسوی، بی‌تا، ۷: ۴۴۱؛ ابن عاشور، بی‌تا، ۱: ۶۷۰). با توجه به نادرستی مبنای اشکال که حقیقی بودن معنای این جمله بود، بی‌پایه بودن اشکال، روشن می‌شود.

### ۳. تقدم و تأخر در خلقت زمین و آسمان‌ها

۳،۱. تبیین شبهه

خداوند در آیه ۲۹ بقره می‌گوید اول زمین را آفریده و سپس آسمان را: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (اوست آن کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید سپس به کار آسمان پرداخت، پس هفت آسمان را استوار کرد و او به هر چیزی داناست).

اما در آیات ۲۷ تا ۳۰ نازعات می‌گوید اول آسمان را خلق کرده و سپس زمین را: ﴿الَّذِينَ اسْتَفْتَىٰ مِنْهُمْ أَن يَدْعُوا إِلَى السَّمَاءِ بَنَاهَا ﴿۲۷﴾ فَرَسَوْهَا ﴿۲۸﴾ فَأَنْزَلْنَاهَا فَيَسْجُدُ لَهَا ﴿۲۹﴾ وَيَسْجُدُ لِلَّذِينَ فِيهَا رُءُوسٌ مُّكْرَمَةٌ ﴿۳۰﴾ أَتَدْعُونَ إِلَهُاتِكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْحَقِّ آخِرًا وَآخَرًا ﴿۳۱﴾﴾ (آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که او [آن را] برپا کرده است؟\* سقشش را برافراشت و آن را [به اندازه معین] درست کرد\* و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید\* و پس از آن، زمین را با غلتانیدن گسترده (سها، بی تا، ۱۰۳-۱۰۴).

۳،۲. پاسخ

لازم به ذکر است که اصل شبهه تقدّم خلقت زمین بر آسمان چیز جدیدی نیست، بلکه از قدیمی‌ترین شبهه‌هایی است که با موضوع تعارض بین دو آیه از قرآن مطرح شده است. در برخی منابع روایی آمده است که این شبهه برای فردی مطرح شده بود، و او از ابن عباس پاسخ آن را جویا شد (بخاری، ۱۴۲۲، ۶: ۱۲۷).

و اما پاسخ شبهه: با توجه به مجموع سخن مستشکل، به نظر می‌رسد او آیه ۲۹ سوره بقره را این‌گونه معنا کرده که خداوند پس از این که هر آنچه در زمین است را برای انسان آفرید، به [آفرینش] آسمان پرداخت و هفت آسمان را در دو روز خلق کرد، درحالی که کلمه «استواء» در معانی مختلف استعمال شده و تعیین معنای مورد نظر بستگی به حرف جرّی دارد که این کلمه با آن حرف جر استعمال شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، ۲: ۶۰۹). کلمه «استواء» وقتی با حرف جرّ «إلی» متعدّی می‌شود، مثل آیه محل بحث، به معنای توجه و قصد چیزی را کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۴: ۴۱۴؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۱: ۲۳۵).

همچنین در طرف دیگر تناقض، کلمه «دحو» در آیه ۳۰ سوره نازعات را به معنای



خلق کردن گرفته، درحالی که «دحو» به معنای گستراندن و بسط دادن است نه خلقت (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳: ۲۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۴: ۲۵۱؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۱: ۱۳۴).

در مرحله بعد، در جمع‌بندی بین آیات مختلف قرآن که به یک موضوع پرداخته، باید به نتیجه رسید که خلقت کدام‌یک از زمین و آسمان بر دیگری تقدم دارد.

قبلاً گفته شد که منظور از کلمه «یومین» در آیات ۹ و ۱۱ سوره فصلت، نمی‌تواند روز اصطلاحی باشد، و مراد از آن وجود دو مرحله در خلقت زمین و یا آسمان‌ها است (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۵: ۶۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ۶: ۱۶۹؛ بروسوی، بی‌تا، ۸: ۲۳۱؛ مراغی، بی‌تا، ۲۴: ۱۱۰؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ۵: ۳۱۱۱؛ حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ۹: ۲۸۷؛ زحیلی، ۱۴۱۹، ۲۴: ۱۹۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۷: ۳۶۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۴۰)، یعنی زمین برای تکون کاملش دو مرحله متغایر را طی کرده است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۱۷: ۳۶۳) و همچنین آسمان‌ها.

در این آیات شریفه، قرآن دو مرحله بودن خلقت هرکدام از زمین و آسمان‌ها را بیان می‌کند، اما علاوه بر آن از ظاهر آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت می‌شود ترتیب کلی خلقت را نیز فهمید، به این صورت که ابتدا در آیه ۹ خلقت زمین را که در دو مرحله بوده بیان می‌کند: ﴿قُلْ أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا ذَلِكُمْ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾.

سپس در آیه ۱۱ و ۱۲ همین سوره با استفاده از کلمه «ثم» که ظهور در ترتیب دارد، ترتیب در خلقت آسمان‌ها را بیان می‌کند: ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾ \* فَمَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ أَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَّمَاءٍ أَمْرَهَا وَ زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ حِفْظًا ذَلِكُمْ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (سپس آهنگ آسمان کرد، و آن بخاری بود. پس به آن و به زمین فرمود: خواه یا ناخواه بیایید. آن دو گفتند: فرمان‌پذیر آمدیم\* پس آن‌ها را [به صورت] هفت آسمان، در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی کار [مربوط به] آن را وحی فرمود، و آسمان [این] دنیا را به چراغ‌ها آذین کردیم و [آن را نیک] نگاه داشتیم این است اندازه‌گیری آن نیرومند دانا).

البته مقدم بودن خلقت زمین بر آسمان در روایات نیز به صراحت بیان شده است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خداوند بهشت را قبل از جهنم خلق کرد... و زمین را قبل از آسمان خلق کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ۸: ۱۴). قریب به همین مضمون در تفسیر عیاشی به نقل امام باقر علیه السلام از امام علی علیه السلام آمده است (عیاشی: ۱۳۸۰، ۲: ۱۲۰).

اکنون با توجه به آیات ذکرشده و آیات ذیل، جزئیات خلقت زمین و آسمان‌ها را بیان می‌کنیم: آنچه در آیه ۲۷ سوره نازعات آمده است بحث «سما» است نه «سبع سماوات»، و باید بین بنای «سما» که در آیه ۲۷ سوره نازعات مبنای بحث قرار گرفته و «سبع سماوات» که در آیات ۲۹ سوره بقره و ۱۲ سوره فصلت آمده، فرق گذاشت (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۴: ۲۳). در نتیجه مشارالیه کلمه «ذلک» در آیه ۳۰ سوره نازعات، بنای آسمان (سما) است، به این معنا که دحوالارض بعد از بنای آسمان (سما) اتفاق افتاده است. حال با توجه به آنچه گفته شد، در مورد خلقت زمین و آسمان‌ها مراحل زیر طی شده است:

۱. در مرحله اول اصل زمین خلق شده است (قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ۱۶: ۳۹۴؛ طوسی، بی‌تا، ۱: ۱۲۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۲: ۳۵۲).
  ۲. بعد از آن آسمان (سما) خلق شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۸: ۱۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ۲: ۱۲۰؛ قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ۱۶: ۳۹۴؛ طوسی، بی‌تا، ۱: ۱۲۷).
  ۳. بعد از آن نوبت به مرحله دوم خلقت زمین یعنی (دحوالارض) رسیده است (قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ۴۴۸؛ طوسی، بی‌تا، ۱: ۱۲۷؛ استرآبادی، ۱۳۸۲، ۲: ۴۷۲؛ معرفت، ۱۴۲۳، ۲۵۹).
  ۴. بعد از دحوالارض، آسمان (سما) را به صورت هفت آسمان (سبع سماوات) در آورد (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۴: ۲۳؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰، ۱: ۲۰۷).
- طبق آنچه در مورد خلقت زمین و آسمان‌ها بیان شد، مشخص شد که نه‌تنها بین آیات یادشده تناقضی نیست، بلکه خود این آیات تبیینی از مراحل مختلف خلقت زمین و آسمان‌ها است، به این صورت که: مرحله اول خلقت زمین قبل از خلقت آسمان اتفاق افتاده؛ مرحله دوم خلقت زمین بعد از خلقت مرحله اول آسمان اتفاق افتاده؛ در مورد آسمان‌ها در مرحله اول، بعد از خلقت اصل زمین، آسمان (سما الارض) خلق شده؛ در مرحله دوم بعد از دحوالارض (خلقت مرحله دوم زمین) آسمان به تعداد هفت آسمان رسیده.
- با این بیان، مرحله اول خلقت زمین قبل از مرحله اول خلقت آسمان است، و مرحله دوم خلقت زمین نیز قبل از مرحله دوم خلقت آسمان‌ها است، پس می‌شود

گفت که زمین قبل از آسمان‌ها خلق شده است.

خلقت هر یک از زمین و آسمان در دو مرحله، بیان‌گر این مطلب است که بین دو مرحله خلقت زمین فاصله بوده، و اگر بدون فاصله هر دو مرحله پشت سر هم خلق شود که به آن دو مرحله نمی‌گویند بلکه همه اینها یک مرحله است، و تخلّل خلقت یک مرحله از آسمان بین دو مرحله از خلقت زمین، دو مرحله بودن خلقت زمین را معنای می‌کند، هم‌چنان که تخلّل یک مرحله از خلقت زمین بین دو مرحله از خلقت آسمان‌ها، دو مرحله بودن آن را محقق می‌کند.

#### ۴. چگونگی آسمان و زمین در هنگام خلقت

۴،۱. تبیین شبهه

بنابر آیه ۱۱ سوره فصلت، زمین و آسمان‌ها از هم جدا بودند و بعد یک پارچه شدند: ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾، درحالی‌که بنابر آیه ۳۰ سوره انبیاء، زمین و آسمان‌ها نخست به هم چسبیده بودند و بعد جدا شدند: ﴿أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾ (آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمان‌ها و زمین هر دو به‌هم‌پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند؟) (سها، بی‌تا، ۱۰۵ و ۱۰۷).

۴،۲. پاسخ

آنچه مستشکل در معنای آیه ۱۱ سوره فصلت بیان کرده با این آیه تطبیق ندارد، چون در این آیه به هیچ وجه از چسبیده بودن و یا جدا بودن زمین و آسمان‌ها حرفی به میان نیامده است، و فقط ترتیب خلقت آسمان که پس از خلقت زمین بوده در صدر آیه گفته شده، و در ادامه، اطاعت تکوینی زمین و آسمان از خداوند بیان شده است؛ مگر اینکه گفته شود آیه فوق به دلالت التزامی جدا بودن زمین و آسمان‌ها را بیان می‌کند.

در هر حال با مراجعه به روایات و کتب تفسیر درمی‌یابیم که مراد از رتق و فتق عالم در آیه محل بحث، چیز دیگری است، و از تفسیر آیه شریفه به معنایی که مستشکل در نظر گرفته به‌صراحت نهی شده است. محمد بن عطیه نقل می‌کند که

یکی از علمای اهل شام خدمت امام باقر علیه السلام رسید و آیه ۳۰ سوره انبیاء را خواند، امام باقر علیه السلام فرمودند: شاید تو گمان می کنی که منظور آیه شریفه این است که زمین و آسمان ها چسبیده به هم بودند، و سپس از یکدیگر جدا شدند؟ او گفت: آری؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: از محضر پروردگار طلب مغفرت کن، زیرا قول خداوند متعال که فرمود: «كَانَتَا رَتْقًا» منظور از آن این است که آسمان باران نمی فرستاد و زمین هیچ دانه ای را نمی رویند، پس زمانی که خداوند متعال مخلوقات را خلق کرد و هر نوع جنبنده ای را در آن پخش کرد، آسمان را با نزول باران و زمین را با رویش گیاهان گشود؛ مرد شامی گفت: شهادت می دهم که تو از نوادگان انبیاء هستی و علم تو از علم آنان است (کلینی، ۱۴۰۷، ۸: ۹۴-۹۵).

در حدیث دیگر عمرو بن عبید که می خواست با سؤالی امام باقر علیه السلام را به لحاظ علمی امتحان کند، در مورد معنای رتق و فتق در آیه ۳۰ سوره انبیاء پرسید؛ امام باقر علیه السلام فرمودند منظور از رتق بودن آسمان ها این است که باران نمی بارید و خداوند با نزول باران آن را فتق کرده، و مراد از رتق بودن زمین این است که زمین گیاهی نمی رویند که با روئیدن گیاهان فتق شد، عمرو بن عبید پس از شنیدن این جواب نتوانست به سخن امام باقر علیه السلام هیچ گونه اعتراضی بکند (مفید: ۱۴۱۳، ۲: ۱۶۵؛ طبرسی: ۱۳۷۲، ۲: ۳۲۶).

زمان اتفاق افتادن این فتق آسمان ها و زمین، طبق حدیثی که مرحوم کلینی در قسمت روضه کافی نقل می کند این گونه بیان شده:

ابوحزمه ثمالی می گوید نافع از امام باقر علیه السلام در مورد آیه ﴿أُولَئِكَ يَرِ الْذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا﴾ پرسید، امام باقر علیه السلام فرمودند وقتی که خداوند حضرت آدم را به زمین تنزل داد، آسمان ها بخیل بودند و باران نمی بارید و زمین هم هیچ چیزی نمی رویند؛ اما وقتی که خداوند توبه حضرت آدم علیه السلام را قبول کرد دستور داد به آسمان که توسط ابرها بر زمین بارید و سپس به زمین دستور داد که درختان رشد کردند و ثمر دادند و آب نهرها لبریز شد، و این معنای رتق و فتق آسمان ها و زمین بود. نافع گفت: راست گفתי ای فرزند پیامبر (کلینی، ۱۴۰۷، ۸: ۱۲۱).

در حدیث مفصل دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که هشام بن عبدالملک عازم سفر حج شد و ابرش کلبی [مسیحی] با او بود، تا اینکه بالاخره آن دو امام صادق علیه السلام را در مسجدالحرام ملاقات کردند، هشام از ابرش سؤال کرد که آیا ایشان را می شناسی؟

پس از اینکه ابرش گفت نمی‌شناسم، هشام گفت این همان شخصی است که شیعه گمان می‌کند او به خاطر کثرت علمش پیامبر است، ابرش گفت از او سؤالی می‌پرسم که جز پیامبر یا وصی پیامبر نمی‌تواند جواب آن را بدهد، سپس از ایشان در مورد آیه شریفه ﴿أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا﴾ سؤال کرد؛ امام صادق علیه السلام پس از بیان تفصیلی جریان خلقت آسمان‌ها و زمین، رتق و فتق آن‌ها را به همان معنای باریدن باران و روئیدن گیاهان پس از بخلشان از بارش باران و روئیدن نباتات تفسیر کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۴: ۷۲-۷۳).

همین معنای از رتق و فتق در کتب اهل سنت در حدیثی به نقل از ابن عباس (بیهقی: ۱۴۱۷، ۵۴؛ آلوسی: ۱۴۱۵، ۹: ۳۵) و دیگر راویان بیان شده که برخی از آن‌ها را طبری در تفسیر این آیه شریفه، ذیل قول اول آورده است (طبری، ۱۴۱۲، ۱۷: ۱۵). طبری، این تفسیر از معنای رتق و فتق را از دیگر اقوال صحیح‌تر می‌داند، به دلیل ادامه آیه شریفه که می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا﴾ و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؛ زیرا دلیل اینکه خداوند آب را با این صفت منشأ حیات بودن، بعد از بحث رتق و فتق زمین و آسمان‌ها آورده، این است که جمله قبلی ﴿أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا﴾ سبب برای جمله بعدی ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا﴾ است، یعنی منشأ حیات تمام موجودات از آبی هست که حاصل فتق زمین و آسمان‌ها است، و به عبارت دیگر تناسب اول و آخر آیه با یکدیگر، دلیل بر تعیین این معنا از آیه شریفه است (رازی، ۱۴۲۰، ۲۲: ۱۳۷؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ۴: ۸۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۹: ۳۵). همچنین فخر رازی این قول را به ابن عباس و اکثر مفسران نسبت می‌دهد (رازی، ۱۴۲۰، ۲۲: ۱۳۷).

### نتیجه

آیات قرآن کریم در موضوع خلقت زمین و آسمان‌ها مثل سایر آیات قرآن، نه تنها تعارضی ندارند بلکه مؤید و تفسیر کننده یکدیگر نیز هستند، و خداوند متعال که خود خالق زمین و آسمان‌هاست، در قرآن کریم به بهترین وجه تدریج در خلقت زمین و آسمان‌ها، تعداد روزهای خلقتشان، تقدم و تأخر خلقت هر یک نسبت به دیگری و همچنین کیفیت خلقت هر کدام هنگام خلقت را بیان کرده است.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۳۷۹ش، مناقب آل ابي طالب عليهم السلام، قم، نشر علامه.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، بی جا، بی نا.
۴. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۵. استرآبادی، محمد جعفر، ۱۳۸۲ش، البراهین القاطعة فی شرح تجرید العقائد الساطعة، قم، مکتب الاعلام الإسلامی.
۶. آلوسی، سید محمود، ۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۷. بحرانی، سید هاشم، ۴۱۶ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
۸. بخاری جعفری، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله، ۴۲۲ق، صحیح البخاری، بی جا، دار طوق النجاة.
۹. بروسوی حقی، اسماعیل، بی تا، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر.
۱۰. بیهقی، ابو بکر، ۴۱۷ق، الأسماء و الصفات، بیروت، دار الجیل.
۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۴۱۸ق، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۲. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۴۱۸ق، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ش، تسمیم و لایت، تحقیق سید محمود صادقی، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۴. —————، ۱۳۸۸-۱۳۸۹ش، تسمیم (جلد ۱۴)، تحقیق عبدالکریم عابدینی، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۵. —————، ۱۳۸۸-۱۳۸۹ش، تسمیم (جلدهای ۱ و ۲)، تحقیق علی اسلامی، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۶. —————، ۱۳۸۶ش، شریعت در آئینه معرفت، تحقیق حمید پارسانیا، قم، مرکز نشر اسراء، قم.

۱۷. حائری تهرانی، میر سید علی، ۱۳۷۷ش، *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق، دارالعلم دارالشامیه.
۲۰. رشید بن علی رضا، محمد، ۱۹۹۰م، *تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)*، الهیئة المصرية العامة للكتاب.
۲۱. رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، *نهج البلاغه*، قم، هجرت.
۲۲. زحیلی، وهبة بن مصطفى، ۱۴۱۹ق، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، بیروت، دار الفكر المعاصر.
۲۳. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی.
۲۴. سید بن قطب شاذلی، ابن ابراهیم، ۱۴۱۲ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشروق.
۲۵. شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳ش، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد.
۲۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۹۸ق، *التوحید*، قم، جامعه مدرسین.
۲۷. صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۳۰. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
۳۱. طریحی، فخر الدین، ۱۴۱۶ق، *مجمع البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۳. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۳۴. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمية.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت.
۳۶. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، انتشارات الصدر، تهران.
۳۷. قاضی، عبد الجبار، ۱۹۶۵. ۱۹۶۲م، *المعنی فی أبواب التوحید و العدل*، قاهره، الدار المصرية.
۳۸. قاضی، عبد الجبار، بی تا، *تنزیه القرآن عن المطاعن*، بی جا، دارالنهضة الحديثة.

٣٩. قمى، على بن ابراهيم، ١٤٠٤ق، *تفسير القمى*، قم، دار الكتاب.
٤٠. كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق، ١٤٠٧ق، *الكافى*، تهران، دار الكتب الإسلامية.
٤١. كاشانى، ملافتح الله، ١٤٢٣ق، *زبدة التفاسير*، قم، بنياد معارف اسلامى.
٤٢. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، ١٤٠٣ق، *بحار الأنوار*، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
٤٣. مراغى، احمد بن مصطفى، بى تا، *تفسير المراغى*، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
٤٤. معرفت، محمدهادى، ١٤٢٣ق، *شبهات و ردود حول القرآن الكريم*، قم، مؤسسة التمهيد.
٤٥. مفيد، محمد بن محمد، ١٤١٣ق، *الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد*، قم، كنگره شيخ مفيد.
٤٦. مقرئى، احمد بن على، ١٤٢٠ق، *إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع*، بيروت، دار الكتب العلميه.
٤٧. موسوى سبزوارى، سيد عبد الاعلى، ١٤٠٩ق، *مواهب الرحمن فى تفسير القرآن*، بيروت، موسسه اهل بيت عليه السلام.

1. <https://zandiqa.com/2005/09/02/shast-tanaghz-dar-ghoran>.
2. <http://www.answering-islam.org/Quran/Contra/#internal>.